

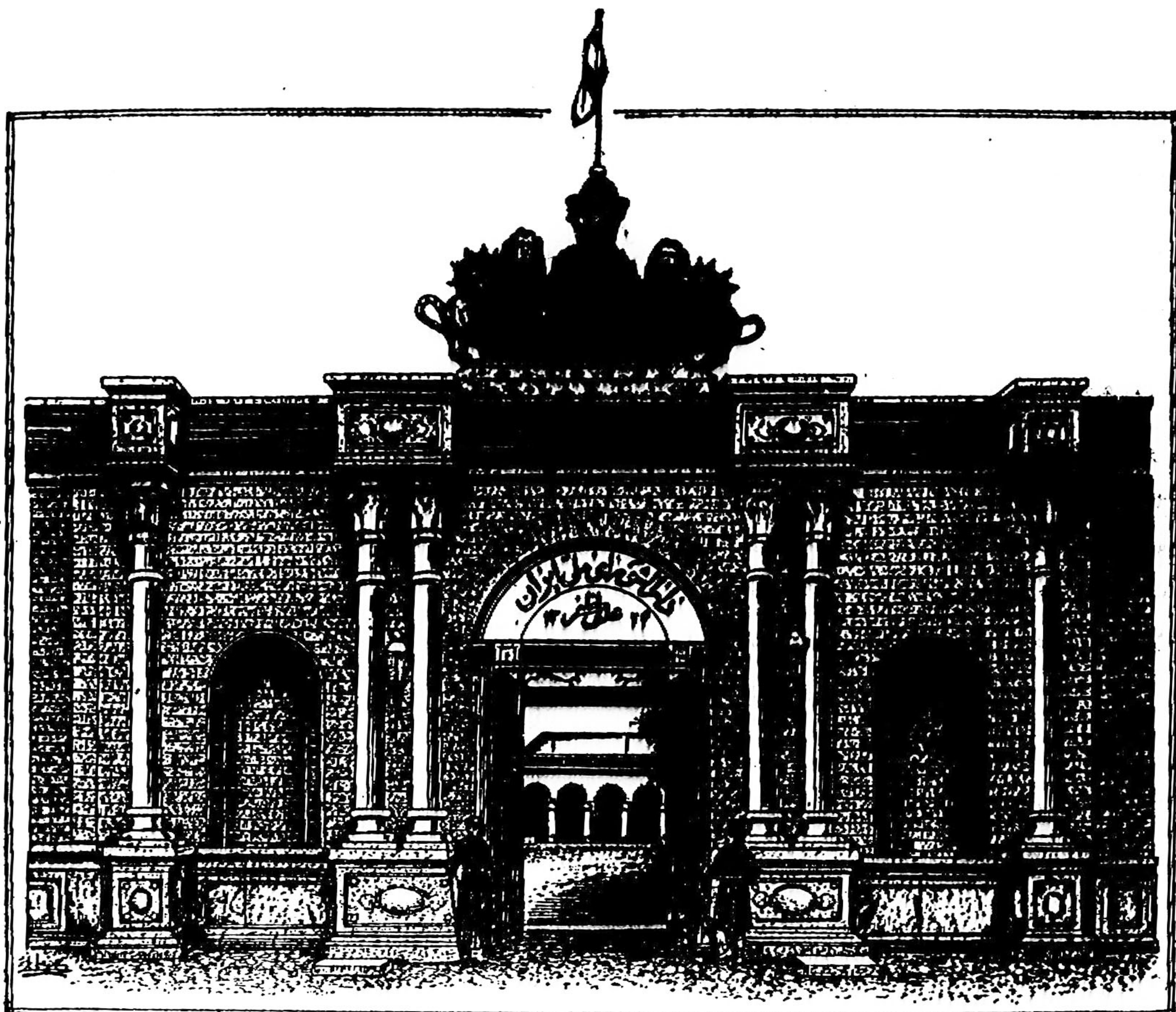
دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۲۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه بله يك شنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه ۴ دوازده تومان قیمه تك شماره يك قرابت</p>



از صفحه	الی صفحه	عنوان	شماره
	۳۹۵۰	نصوب مرخصی آقایان: دهستانی - زنکنه - جهالشرابی	۱
۳۹۷۵	۳۹۵۱	مذاکره اسبت به لایحه دولت راجع به قطع دعاوی از طریق حکمیت	۲





# مذاکرات مجلس

## دوره شانزدهم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله يكشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رمضان المبارک ۱۳۴۶

### جلسه ۲۲۳

(مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته برپاست)

آقای بیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس ليله سه شنبه ۲۳ اسفند)

را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند

غائبین با اجازه جلسه قبل

روحی - دهستانی - جوانشیر

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: آسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی



ملك - بجای خان زنکنه -

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد یا نه ؟  
( گفتند - خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر عدلیه - بنده میخواستم نمنا کنم که آقایان اجازه بدهند لایحه حکمیت جزء دستور شود ( نمایندگان - صحیح است )

رئیس - خبر کمیسیون عراقی و مرخصی نماینده محترم آقای دهستانی از دم فروردین برای مهالجه مدت چهل روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت نموده خبر آرا تقدیم میباید

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده مخالفتی ندارم در این خبر لایحه حکمیت عرضی دارم .

رئیس - رأی گرفته میشود به این خبر آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر .

( شرح ذیل قرائت شد )

نماینده محترم آقای زنکنه بوسیله نماینده محترم آقای پالیزی از ۱۷ اسفند ماه تقاضای ده روز مرخصی نموده کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود

رئیس - آقایان موافقین با این خبر قیام فرمایند .

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد خبر دیگر

نماینده محترم آقای مصدق جهانشاهی برای معالجه مزاج از اول اردیبهشت ۱۳۰۷ دو ماه تقاضای مرخصی نموده کمیسیون عذرايشانرا موجه دانسته با تقاضای ایشان موافق

و خبر آرا تقدیم میدارد

رئیس - آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند

قیام فرمایند

( عده زیادی برخاستند )

رئیس - تصویب شد آقای محمد ولی میرزا

محمدولی میرزا - نظر باینکه وضع قوانین همیشه از نقطه نظر حفظ استابش عمومی طبقات مختلفه بوده است از این نقطه نظر محتاج باین شده است که يك اصلاحی در قانون بهمن ماه ۳۰۴ راجع بالفاء باج راه ها بشود . جمعی از آقایان مخصوصاً خود بنده يك نظری داشتم که در تحت يك ماده واخذه برای اصلاح ماده دوم آن قانون تقدیم مقام ریاست میکنم ( طرح مزبور را مقام ریاست تقدیم نمودند )

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی راجع بدستور امشب فرمایشی داشتید ؟

حاج میرزا مرتضی - بلی . چون از سال ۱۳۰۶ چند روزی بیشتر باقی نمانده است و بودجه مجلس مطابق معمول سابق بر خلاف سایر بودجه وزارتخانهها همیشه قبل از سال جدید میبایستی بگذرد و از تصویب کمیسیون محاسبات گذشته است . بنده عقیده ام این است که بودجه مجلس را مثل سایر وزارتخانه ها به سال بعد نیندازیم و خواستم استدعا کنم که بودجه مجلس را در درجه اول جزء دستور بگذارند و تکلیف آن قبل از ورود به سال بعد معلوم شود و از مجلس بگذرد ؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم . مسئله بودجه مجلس هم بطور که آقا فرمودند از مسائلی است که میبایستی با علانیه مندی و با سرعت انجام شود ولی امشب که مذاکره شد يك امر غفلی بود و با آقایان رفقا هم که مذاکره شد معلوم شد در اینخصوص مطالعه نکرده اند و حکمیت را هم که آقای وزیر عدلیه تقاضا کردند دستور گذارده شود از نقطه نظر اهمیت در درجه اول است و خیلی مسئله عام المنفعه است

بان وجه ما هم موافقت نکردیم که آن قانون جزء دستور شود .

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی آقایان موافقین قیام فرمایند .  
( معدودی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای فرهمند ( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده مربوطه به عیدی مستخدمین وزارتخانه ها در بودجه کل مملکتی استثنائاً مطرح شود  
رئیس - آقای فرهمند

خبر فرهمند - عرض کنم موضوع عیدی مستخدمین جزء وزارتخانه ها چیزی است که سابقه دارد و خاطر همه آقایان هم مستحضر است . فقط يك رای لازم دارد این بود که بنده تقاضا کردم امشب جزء دستور شود و بگذرد  
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - گرچه بنده هم با آقا موافقم که بابت عیدی مستخدمین جزء که واقعا مردمان بیچاره هستند زودتر تأدیه شود و مالمی هم ندارد ولی بنده هر چه فکر میکنم يك قانونی که اولویت نسبت بقانون حکمیت داشته باشد نیست این است که مصرأ استدعا میکنم که آقا هم موافقت فرمایند که قانون حکمیت جزو دستور شود .

فرهمند - ممکن است بعد از قانون حکمیت باشد بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - قانون حکمیت مطرح است . مذاکرات راجع

بکلیات است . آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده در کلیات يك اعتراضی داشتم و میل داشتم که آقای وزیر عدلیه جواباً بنده را اقناع کنند . بعقیده بنده قانون حکمیت بهترین قوانینی است که تا این تاریخ مجلس آمده و فوائد و محسنات این قانون بیش از آنچه هست که تصور میشود و انشاء الله در عمل مبینیم . همینقدر بنده عرض میکنم ( گرچه لایحه حکمیت وقتی اجرا شود يك سهولت هائی برای مردم درست میکند ) ولی بنده مخالفم راجع به حکم ها است چون برای حکم ها شرایط چندانی مقرر نشده است و در ضمن يك حقوقی هم برایشان معین شده است . پنج عشر و سه عشر و فلان ولی اگر يك کسی حکمی معین کرد و مرحله استینافی برای آن کار پیدا شد هیچ مجازاتی برای حکم قائل نشده اند

بعضی از نمایندگان - عجب ! چه مجازاتی ؟

روحی - اجازه بدهید . بنده عرض میکنم حکم مستخدم رسمی نیست که حقوق بهش میدهند . هر جا که حقوق میدهند باید مسؤلیت در کار باشد . این يك اصل مسامی است در دنیا که در مقابل حقوق باید مسؤلیت هم باشد . بنده عرض میکنم اگر يك حکمی مطابق قانون رفتار نکرد تکلیف چیست ؟ ممکن است حقوق بنده را از بین ببرد . بنده خواستم عرض کنم که در مقابل اینکه حقی میگیرد باید برای او هم يك مجازاتی معین کنید زیرا ممکن است يك کسی در این تضییع حق از میان برود . بنده میخواستم به بینم که چه مجازاتی برای حکم در صورت تضییع حق مردم معین شده است ؟

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا ( رفیع ) - نماینده محترم در ضمن مخالفت در کلیات يك مخالفتی کردند که اصلاً مخالفت نبود برای اینکه اگر ما بخواهیم برای حکم مجازاتی معین کنیم معنایش این است که هیچ حکمی معین نشود زیرا



هیچ حکمی نمیرود يك جالی حکمیت کند که مجازان برایش معین شده باشد و بالاخره در صورتیکه يك فرمایشاتی داشتید در کلیات لازم نبود بفرمائید. ممکن بود يك پیشنهادی بفرمائید و وقتی که ماده مربوط باین امر مطرح میشود آن پیشنهاد مطرح شود و مجلس اگر مجازانی را قبول کرد رای میدهد و اگر هم قبول نکرد بالاخره رای نخواهد داد ولی این را لازم است عرض کنم که آقایان باید يك جنبه را در نظر بگیرند که ما باید امشب این قانون را بگذرانیم و در صورتیکه اینطور باشد نخواهد گذشت و اگر مثل سایر لوایح هی پیشنهاد و هم زیاد حرف زدن باشد قطعا اینقانون نخواهد گذشت پس ما باید با یکدیگر موافقت کنیم که انشاء الله امشب اینقانون حکمیت که بهترین قوانین است بگذرد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای گرفته میشود بشور در مواد آقایان

موافقت قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد ماده اول

(مجدداً بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱ - هرگاه در دعوی حقوقی یکی از متداعین محکمه صلح بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را بموافقت با این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده در این ماده نظری دارم و عرض میکنم ممکن است آقای مخبر جواب بدهند. در اینجا

نوشته است که تا آخر جلسه اول محاکمه تقاضای حکمیت بعمل آمده باشد. در محاکمات اختصاری بایستی مرتباً در جلسه اول محاکمه تقریباً تمام شود و میتوانند طرفین تقاضا کنند که يك جلسه دیگر هم نمیدهد شود اگر يك معاذیر موجهی در بین باشد و در محاکمات عادی هم مطابق قوانین فعلی غالباً اظهارات متداعین در ابتدای امر اصفا میشود و جوابهای طرفین که حاضر شد جلسه محاکمه معین میشود این جا قید شده است که در اولین جلسه تقاضای حکمیت بشود اگر ما در يك مورد استثناء قائل نشویم وکلای عدلیه که همیشه عقب يك تپه و سوراخهایی میکردند و پیدا میکنند برای فرار از موقعی که پیش می آید ممکن است سوء استفاده کنند، مثلاً مدعی عرضحال خود را داده است و سواد آزا به طرف ابلاغ کرده اند در ضمن اینکه مدعی علیه جواب داده است یا فهمیده جواب داده است و بعضی اظهارات الزام آوری کرده است در جلسه اول باید محکمه حکم بدهد ولی با این ترتیبی که این جا نوشته شده است نتیجه اش این میشود که تا حس کرد یکی از طرفین که محکوم میشود فوراً تقاضای حکمیت میکنند برای طرفه و قضیه بطول می انجامد بنده عقیده ام این است که بایستی در این ماده قید شود باستثناء مواردی که یکی از متداعین اقرار کرده باشد یعنی اگر اظهارات الزام آوری از یکی از طرفین نشده باشد و تقاضای حکمیت از طرف یکی از متداعین بشود در جلسه اول ترتیب اثر بدهند و الا نمیشود زیرا اگر ما قائل شویم که در محاکم اختصاری که باید در اولین جلسه محاکمه تمام شود به تقاضای حکمیت ترتیب اثر بدهند نمی شود و باید اقرار آنها را محکمه انخوان کند و حکم بدهد پس دیگر موردی برای حکمیت باقی نماند این بود نظر بنده

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اگر ما بخواهیم این قبیل موارد را استثنا بکنیم به مشکلات زیادی بر میخوریم برای اینکه آقا تصدیق میفرمایند که

اقرار غیر ممکن است و کمتر میشود که در جلسه اول محاکمه با يك صراحتی بشود اغلب ممکن است يك قسمت مذاکراتی از طرفین بشود که از آن مذاکرات استنباط اقرار شود و اگر ما این قید را در این جا بکنیم آنوقت در اغلب موارد و مواقع باید سر این مسئله دعوا کرد که آیا مذاکراتی که انجام شده است از آنها میشود استنباط اقرار کرد یا نه. و بنده تصور میکنم که بهترین ترتیب این است که نوشته شده است و خوب است مشکلات را زیاد نکنیم و بر فرض هم که در جلسه اول اقرار نکرد و تقاضای حکمیت شد همان دوسیه هم برود پیش حکم و حکمین هم البته آن اقرار را در نظر بگیرند

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عبارت را خواندم و اگر يك قدری صریح تر نوشته شده بود بهتر بود این جا نوشته شده است: هرگاه در دعوی حقوقی یکی از متداعین محکمه صلح، بدایت و تجارت، ما بابت عبارت را يك طوری بنویسیم که عامه بفهمند ما میخواهیم قانون را بدست مردم بدهیم که مردم بفهمند حالا هر جوری که آقای مخبر میخواهند عبارت را تغییر بدهند بدهند در هر حال باید يك طوری نوشته شود که واضح تر باشد و نوشته شود در محکمه صلح بدایت یا تجارت، این يك نظر که برای صریح بودن عبارت است يك مطلب دیگر که جواب آقای روحی و گویا مطالعه نکرده اند و اگر مطالعه کرده بودند میدیدند که در لایحه دارد که اگر حکم خلاف کرد ده سال مجازات برایش معین کرده اند

وزیر عدلیه - این اشکالی را که آقا فرمودند بنده

تصور میکنم که اگر این طور نوشته شود يك اشکال دیگری پیدا میشود برای اینکه اگر بنویسیم متداعین در محکمه صلح فرق دارد با اینکه این جا نوشته شده است چرا؟ برای اینکه متداعین محکمه صلح کسانی هستند که دعویشان را در محکمه صلح صلاح دانسته اند ولی اگر بنویسیم متداعین در محکمه صلح ممکن است يك کسی بگوید که يك دعوائی را که از حد نصاب محکمه صلح بالاتر است میبرم در محکمه صلح و تقاضای حکمیت میکنم.

رئیس آقای افشار

افشار - موافقم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(بمضمون ذیل خوانده شد)

در ماده اول پیشنهاد میکنم که نوشته شود: متداعین

محکمه بدایت الی آخر

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده در این ماده معتقدم اینست که

موضوع حکمیت البته يك چیز خیلی مهمی است و در

مسائل جزئی و خیلی کوچک دیگر حکمیت لازم نیست

مخصوصاً در جاهاییکه محکمه صلح هست ممکن است حکم

های خوبی پیدا نشود و خیلی چیزهای جزئی است که

در محاکم حل میشود. اینست که بنده محاکم صلح را

مستثنی کردم



مخبر - اتفاقاً این قانون در محاکم صلح و درامورات جزئی فوایدش بیشتر است زیرا که غالباً اشخاصی که دعاوی کوچک دارند بیشتر احتیاج دارند به کد خدا منشی و حکمیت. بنابراین خوب است حضرت والا موافقت بفرمایند که این قانون در کلیه محاکمی که ذکر شده است اجرا شود.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در این ماده نوشته شود در تمام محاکم از صلحیه و ابتدائی و استیناف و تمیز هرگاه طرفین تقاضای حکمیت نمایند پذیرفته می شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده این لایحه را چون اسباب تسهیل محاکمات میشود و خیلی خوب است و اسباب آسایش مردم می شود و کار به حکمیت می گذرد و مردم راحت میشوند خیلی خوب می دانم ولی چیزی که هست این جا میگوید اگر يك طرف تقاضای حکمیت کرد طرف دیگر را هم مجبور بقبول می کنند. بنده عقیده ام این است که تقاضا باید از دو طرف باشد و طرفین اگر تقاضای حکمیت کردند باید قبول شود اما اگر يك طرف تقاضای حکمیت کرد ابتدا نمیشود قبول کرد چرا برای اینکه چه بسیار میشود که در بین محاکم يك نفر می بیند که دارد مغلوب میشود تقاضای حکمیت کند که محاکم را لغو کند و حکمیت شود و کار می افتد به حکمیت و اسباب تعویق کار میشود این است که بنده پیشنهاد کردم که باید طرفین تقاضا کنند و در تمام محاکم از

ابتدائی و استیناف و تمیز و غیره و غیره در هر محکمه که طرفین دعوی تقاضای حکمیت کردند پذیرفته شود ولی اگر يك طرف تقاضای حکمیت کردند این رأی می شود پذیرفت.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای فیروز آبادی گمان می کنم که با اشتباه کرده اند و با لایحه را مطالعه نکرده اند تقاضای حکمیت که به استیناف و تمیز نمیرسد در جلسه اول محاکمه می شود تقاضای حکمیت کرد و جلسه اول محاکمه مسلم است که در استیناف و تمیز نیست نائیباً در این قسمت که میفرمایند طرفین تقاضا کنند عرض میکنم که ما برای رضیه حال متداعیین گفتیم که اگر يك طرف تقاضا کند قبول میشود و اگر دو طرف تقاضا کنند که البته قبول خواهد شد و این مسئله بگردد استیناف و تمیز مربوط نیست برای اینکه از ابتدا که طرفین وارد دعوی شده اند و کلاشان وارد دعوی نشده اند و رجوع بمحاکم دیگر نشده است در جلسه اول میتوانند تقاضای حکمیت کنند ولی وقتی که وارد استیناف یا تمیز شد و يك کسی میبیند که دارد محکوم میشود دیگر نمیشود تقاضای او را پذیرفت باید در محکمه بدایت باشد و در جلسه اول محاکمه تقاضا شود پس این پیشنهاد بدمورد است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود بماده

اول آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اتسار بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

(نائیباً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم ننهد محکمه

از طرف ممتنع حکم او و همچنین حکم ناک را بقرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف خواهد شد تا مدعی حکم خود را معین نماید

رئیس - آقای بیات

مرئضی قلیخان (بیات) - در این ماده ۲ بطوریکه نوشته شده در صورتیکه مدعی علیه حاضر نشود برای این که حکم خود را معین کند محکمه حکم را از طرف او معین میکند ولی در صورتی که مدعی حاضر نشد نوشته است که آن محاکمه متوقف میماند تا وقتیکه مدعی حکمش را معین کند. در اینجا مطابق قسمت اول ماده این طور است که در صورتیکه مدعی علیه حکمش را معین نکند محکمه حکم او را معین می کند و دعوی تمام خواهد شد ولی مال طرف دیگر همینطور بلا تکلیف میماند و این دعوی برای طرف باقی خواهد ماند تا هر وقتی که مدعی حکمش را معین کند و با این ترتیب البته يك نزاعی برای ملك یا دارائی طرف فراهم میکند و در قانون اصول محاکمات حقوقی يك ماده هست که چنانچه مدعی دعوی را تعقیب نکند میتواند مدعی علیه بمحکمه اظهار کند و محکمه عرض حال را رد و کلیه خسارات او را هم تأمین کند. چون در این ماده در این مورد مصرح است که دعوی توقیف میماند بنده مخالف هستم و اگر آقای وزیر عدلیه موافقت کنند که با همان ترتیبی که در قانون اصول محاکمات حقوقی هم هست اگر مدعی حاضر نشد حکم خودش را معین کند مدعی علیه میتواند مطالبه خسارت نماید یا يك ترتیب دیگری ماده نوشته شود که حکم مدعی هم همانطور که برای مدعی علیه معین شده است از طرف محکمه معین شود و دعوی قطع شود خیلی بهتر است و الا با این حال دارائی طرف منزلزل خواهد شد و ممکن است همینطور چهل، پنجاه سال با این حال باقی بماند. این است که بنده تقاضا دارم که يك تکلیفی برای این مسئله معین شود که همانطور که برای آن طرف

محکمه حکم معین میکند برای این طرف هم معین کند مخبر - مطلبی را که آقای بیات در نظر آوردند که در قانون اصول محاکمات هست که چنانچه مدعی حاضر نشود...

بیات - بلندتر

مخبر - عرض کردم مطلبی را که فرمودید در قانون اصول محاکمات هست که اگر مدعی حاضر نشود مدعی علیه می تواند به محکمه اظهار کند و تقاضای خسارت کند این مسئله اختصاص به موقعی دارد که محاکمه شده است و در بین دعوی مدعی تعقیب نکرده است و يك دلائلی دارد که نمیتوانیم مفصلاً در این جا عرض کنم ولی عرض می کنم مدعی علیه حاضر شد و محاکمه کرد و در بین محاکمه مدعی تعقیب نکرد البته باید تکلیف مدعی علیه معین شود یا اگر خسارتی متوجه او شده است جبران شود ولی مسئله تقاضای حکمیت بایستی در جلسه اول بعمل آید و محاکمه هم نشده است در این صورت نمیتوان مدعی را مجبور نمود که بر علیه دیگری اقامه دعوی کند ولی اینکه فرمودید محکمه از طرف مدعی هم حکم معین کند. این ماده در نتیجه تدقیقات زیادن که شده مطابق اصول است زیرا محکمه در مورد احقاق حق مدعی نمی تواند يك حکم معین کند و باید خود مدعی احقاق حق خودش را بکند باین جهت محکمه قرار توقیف دعوی را میدهد و اگر او علاقه مند باشد به دعوی خودش حکم را معین میکند بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مرئضی قلیخان بیات - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمایند

مرئضی قلیخان بیات - این جوانی که آقای شریعت زاده اظهار فرمودند بنده را قائم نکرد و برای اینکه بنده جوانی عرض کرده باشم استدعا دارم که مذاکرات کافی نشود و بنده دلائل خودم را عرض کنم بعد مذاکرات کافی شود.



رئیس -- رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کمی بر حاستند)

رئیس -- تصویب شد. آقایان دادگر دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی -- عرض بنده هم راجع به قسمتی بود که آقای بیات اظهار فرمودند و بنظر بنده این جوابی را که آقای شریعت زاده دادند مقنع نبود برای اینکه يك کسی می آید و اقامه دعوی میکنند و طرف تقاضای حکمیت که میکنند آنوقت مدعی حدم خودش را معین نمیکند و دعوی توقیف میبندد و این توقیف سبب میشود که آن ملکی که نسبت به آن اقامه دعوی شده متنازل میشود و بعقیده بنده هم باید در این ماده تصریح شود که اسباب اشکال در جریان نباشد

مخبر -- بنده برای جلب موافقت آقایان عرض میکنم که موجب قوانین حکمیت دنیا هیچکس حق ندارد بجای مدعی در يك دعوائی حکم معین کند و بجای او اقامه دعوی کند مگر اینکه مدعی سفیه باشد التفات فرمودید آقایان وقتی که مدعی ترك دعوی کرد هیچ قانونی در دنیا وجود ندارد که او را مجبور کند که برود دعوی کند از نظر قوانین شرعی هم همینطور است دعوائی عربی هم همینطور است بنا بر این خوب است که آقایان موافقت کنند که مذاکرات کافی شود و این ماده تصویب شود

رئیس -- آقای حاج آقا رضا (رفیع)

حاج آقا رضا (رفیع) -- آقای شریعت زاده باید فکر فرمایند که جهت اینکه این لایحه به مجلس شورای ملی آمد برای این بود که دعاوی بکلی قطع شود پس ما باید این مواد را طوری تنظیم کنیم که رعایت حال عامه بشود و يك کسی نوبی خانه اش ننشیند و فکر کند که من میروم مدعی فلاکتس میشوم و اگر

اسباب اشکال شود. اولاً آمده اند در اینجا نوشته اند که اختیار تقاضای حکمیت با یکطرف است و با این ترتیب ممکن است يك طرف وقتی دبد در محکمه دارد محکوم میشود تقاضای حکمیت بکند و با این ترتیب محاکمه خانم پیدا نمیکند و بنده عقیده ام این است حکمیت به رضایت طرفین باشد چه در ابتدائی و چه در استیناف و چه در تمیز. حالا باز هم بطوریکه آقای عراقی فرمودند مطالعه نکرده چون این حرفها زود به بنده می چسبید می خواهند فرمایند بفرمایند ولی بنده عقیده ام این است به رضایت طرفین باشد و الا اگر این حق را به یکطرف بدهند اسباب زحمت خواهد شد این عقیده بنده بود دیگر آقایان مختارند

رئیس آقای دادگر

دادگر -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای احتشامزاده

احتشام زاده -- نماینده محترم باید تصدیق فرمایند که اگر بنا باشد حکمیت را به رضایت طرفین بگذارند مدعی علیه برای اینکه محاکمه بر علیه او خانم پیدا نکند ممکن است برای حکمیت رضایت ندهد و بعقیده بنده باید این حق را برای یکطرف قائل شد. البته اگر برای طرفین تراضی حاصل شد که خیلی خوب و اگر حاصل نشد برای تسریع خانم محاکمه باید این حق را برای یکطرف قائل شد که زود تر خانم پیدا کند بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود آخر ماده دوم اینطور اصلاح شود هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی ساقط خواهد شد دکتر طاهری

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- نظر به اینکه منظور از حکمیت

در محاکمه برای قطع و فصل دعوی است و بطوریکه در این ماده نوشته شده است دعوی از بین نبرود. می نویسد: هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف خواهد شد تا مدعی حکم خود معین نماید تا کی؟ معلوم نیست. يك شخصی میآید ادعا میکند و مراجعه میشود بحکم مدعی قبول نمیکند نامدنی برای این کار معین نشود دعوا همینطور می ماند و ملك متنازل می شود و در نتیجه هم دعوی توقیف میشود و قطع و فصل نمیشود باید يك مدنی برای او قائل شوند که اگر تا یکماه ده روز نیست و روز حاضر نشد دعوی ساقط شود و دیگر حق نداشته باشد از این پیشنهاد را کردم که يك مدنی برایش معین شود که بعد از آن مدت اگر مدعی حکم معین نکرد دیگر حق نداشته باشد و دعوی ساقط شود.

وزیر عدلیه -- یکمرتبه دیگر خوانده شود

(شرح ساق خوانده شد)

وزیر عدلیه -- اسقاط دعوی باین معنی که دیگر آن شخص نتواند ادعا بکند این حرف قابل قبول نیست. حق بکنفر را نمیشود ازس ساقط کرد اگر آقا هم موافقت فرمایند يك پیشنهاد دیگری شده است که بنده هم دیده ام که اگر مدعی علیه تقاضای حکمیت کرد و مدعی حکم خودش را معین نکرد پس از سه ماه محکمه قرار رد دعوی را بدهد و بنده هم با این پیشنهاد موافقم.

دکتر طاهری -- من هم با این پیشنهاد موافقت می کنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای رفیع

(شرح ذیل خوانده شد)

در ماده دوم اضافه شود پس از کلمه معین نماید در طرف دوم معین کند و الا محکمه عدم صلاحیت رسیدگی خود را اعلان نماید.

حاج آقا رضا رفیع -- اگر آقای بیات در



پیشنهادشان در ماه را قبول کنند بنده هم با پیشنهاد موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای مرتضی قلیخان بیات (مضمون ذیل فرائت شد)

ماده دوم - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متمنع حکم او و هم چنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه ناسه ماه مدعی حکم خود را معین نماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود

مرتضی قلیخان بیات - بنده توضیحی که لازم بود دادم آقای وزیر عدلیه هم قبول فرمودند چون بعضی از آقایان نظر دارند دوماه باشد بنده هم دوماه را قبول میکنم و کما میکنم کافی باشد

وزیر عدلیه - ممکن است در آخر آن اضافه شود که قرار رد عرضحال را خواهد داد و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست بنده هم این را قبول میکنم  
رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (به این طریق خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی حاضر به تعیین حکم نشود تا دو ماه حق مدعی ساقط میشود در عدلیه

رئیس - آقای فیروز آبادی  
فیروز آبادی - عرض کنم اولاً عقیده ام این بود حکمیت به نرضی طرفین باشد آن رد شد حالا پیشنهاد کردم که اگر مدعی علیه که صاحب حق است یعنی حق بر اوست تقاضای حکمیت کرد مدعی تا دوماه حکم خود را معین کند و اگر معین نکرد چون خودش تقصیر کرده است و حکم معین نکرده است حق محاکمه

در عدلیه نداشته باشد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - مناسفانه آقای فیروز آبادی فرمودند که بنده گفتم مطالعه فرموده اند حالا تصور میکنم که این پیشنهادی را که آقای بیات دادند شاید استماع فرموده باشند نوشته شده است رد عرضحال میشود وقتی مدعی حکم خودش را معین نکرد آنوقت محکمه رد عرض حال را اعلان میکنند و اینقرار قابل استیناف و تمیز هم نیست

فیروز آبادی - مقصود بنده حاصل شد مسترد میدارم  
رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در آخر ماده اضافه شود هرگاه در ظرف مدت دو ماه تعقیب نکرد عرض حال را ابطال و بر حسب تقاضای مدعی علیه مدعی را بخسارت وارده بمدعی علیه محکوم میباشد.

رئیس - آقای عدل

عدل - هرگاه در ظرف مدت دوماه تعقیب نکرد عرض حال را ابطال و بر حسب تقاضای مدعی علیه مدعی را بخسارت وارده بمدعی علیه محکوم میباشد) اولاً آن لفظ رد که مذاکره میشد عرضحال را در موقعی رد میکنند که عرضحال نواقصی داشته باشد و الا يك عرضحالی که نواقصی نداشته باشد رد نمیکند. دوم اینکه ممکن است بنده با يك کسی غرض داشته باشم و يك مدتی او را معطل کنم در این محکمه و آن محکمه و بعد که رجوع بحکمیت شد بگذارم برود. باید يك کاری کرد که کلیتاً جلوگیری از غرض رانی و عرضحال های بی موقع بشود در اینصورت بهتر این است اینطور نوشته شود که اگر مدعی حکم خود را معین نکرد و فرار کرد از تعیین حکم آنوقت آن عرضحال را محکمه ابطال کنند و خسارات وارده به مدعی علیه را هم از او بگیرند این

عقیده بنده است حالا دیگر بسته بنظر آقایان محترم است.

مخبر - بنظر بنده این يك پیشنهاد غیر لازمی است زیرا مطابق اصول محاکمات بعد از قرار عرضحال با صدور حکم رسمی هر خسارانی که بطرفین دعوی متوجه شود آن طرف محکوم مسئول است و در هر حال يك چیز مسامی را ما اینجایمی خواهیم بکنجانیم در صورتیکه این مسئله در قوانین دیگری نامین شده است

عدل - بعد از این توضیح که دادند بنده مسترد داشتم جز اینکه عقیده دارم رد تبدیل به ابطال شود

وزیر عدلیه - خیر همان رد بهتر است پیشنهاد آقای بیات را دومرتبه میخوانم ماده دوم هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متمنع حکم او و هم چنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده چهار تعیین خواهد کرد هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه تا دو ماه مدعی حکم خود را معین نماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم  
وزیر عدلیه - بنده هم قبول میکنم  
رئیس - رای گرفته میشود به ماده دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده سوم  
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر کرده ولی قبیل از صدور قرار حکمیت باید به ایرادات مدعی علیه رسیدگی کرده قرار رد یا

قبول ابراد را بدهد این قرار قابل استیناف و تمیز است هرگاه پس از رای محاکم عالی یا بواسطه انقضاء مدت استیناف و تمیز قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعیین محرز شد محکمه قرار ارجاع حکمیت خواهد داد این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
آقا سید یعقوب - اینجا محاکماتی که دارد میشود در عدلیه نسبت بدعوی که مطرح میشود اقسام دارد. یکی از دعوی دعوائی است که در قانون محاکمات عمومی است که نوشته شده است باید بمحاکم شرع رجوع شود از قبیل دعوی نسبت بتولیت و غیره دوازده جا است که مصرح است باید بمحاکم شرع رجوع شود. در اینجا خواستم آقای وزیر عدلیه یا آقای مخبر نسبت بان دوازده جا که باید بمحاضر شرع رجوع شود توضیح بدهند که بنده قانع شوم

وزیر عدلیه - این جا آقای افسر هم این مسئله را از بنده سؤال می کردند و بنده حالا جواب هر دو آقایان را میدهم. اولاً مسئله صلاحیت محکمه باید معلوم شود که عدلیه باید این کار را رسیدگی کند یا بفرستد به محکمه شرع در صورتیکه معلوم شد عدلیه صلاحیت رسیدگی را دارد آنوقت رجوع میکنند به حکمیت و این مسلم است که قضیه نکاح و موارد دیگر که باید به محاضر شرع رجوع شود هم اینطور خواهد شد

رئیس - آقای دادگر  
دادگر - بنده موافقم

رئیس - آقای بامداد  
بامداد - بنده در ماده اول اجازه گرفته بودم که عرض را بکنم نوبت به بنده رسید حالا هم به ملاحظه این جمله در اولین جلسه فرار حکمیت صادر خواهد شد عرض میکنم نظر این قانون و لایحه به چیست ؟



به این است که مردم در دعوی خودشان گرفتار طول محاکمه و این همه خرج و اتلاف وقت نشود ولی در ماده اول قید کرده است بشرط اینکه در اولین جلسه یکی از دو طرف مدعی علیه با مدعی تقاضا نماید در صورتیکه در جلسه اول هر دو عصبانی و اوقاتشان تلخ است و هیچ معلوم نیست ترتیبشان از چه قرار است و شاید هر کدام انکاء به اسناد خودشان داشته باشند پس خوب بود که يك مندوحة قرار مبدادند که از جلسه اول بگذرد و يك قدری آنها از حال عصبانیت خارج شود آنوقت حاضر میشوند برای حکمیت بنا بر این این قید در ماده اول که در اولین جلسه تقاضای حکمیت کنند روح این قانون را از بین میبرد و دیگر هیچ موضوعی برای حکمیت باقی نمی ماند برای اینکه همانطور که عرض کردم دو نفر با به لجاج یا بکنفر میخواستند حق دیگری را از بین ببرد و او خودش را حاضر کرده است که با يك وسائلی و اسلحه حق دیگری را بخورد اینجا قید میکنند که اگر در اولین جلسه خواستند بسیار خوب و الا این حق ساقط میشود. این است که بنده عرض میکنم با این قیدی که اینجا میشود که بشرط اینکه تا آخر جلسه اول تقاضای حکمیت بعمل بیاید و اگر اینطور نشد دیگر حق حکمیت ندارد با این ترتیب این قانون عملی نخواهد شد و دیگر موضوعی برای حکمیت نخواهد بود و مراجعه از استیناف و نیز و غیره و همه این ترتیباتش خواهد ماند این است که با قید اولین جلسه مخالفم

وزیر عدلیه - عرض کنم اساساً لایحه حکمیت دو موضوع اساسی را خداسه است و نظر بکیرد بکمی تسریع محاکمه که به سرعت بگذرد و یکی دیگر اینکه تمام جهات انصاف در نظر گرفته شده باشد و از این نظر فکر شد که اگر قرار بگذاریم در هر مرحله از مراحل بتوانند حکمیت را تقاضا کنند (مگر بتراضی که آن اهمیت ندارد و ممکن است ولی در غیر موقع تراضی علاوه بر اینکه موجب تسریع کار نمیشود

ممکن است باعث بطوء کار هم بشود چرا؟ برای اینکه يك کسی می آید در محکمه ابتدائی محکوم می شود میبرد به استیناف مدتها هم در آنجا طرف را معطل می شود و همینطور در مرحله نیز در صورتیکه ما میخواستیم در درجه اول تسریع شده باشد بنا بر این هر کس میل دارد زودتر محاکمه اش بگذرد در همان جلسه اول تقاضا میکنند. اما اینکه فرمودند اوقاتشان تلخ است آقای بامداد تصور می فرمایند که مدعی و مدعی علیه می آیند و بابك چشم های خیلی برافروخته بهم نگاه می کنند و تقریباً دست بیقه بهمان معنی فارسی میشوند در صورتیکه این طور نیست خوش بختانه یا بد بختانه از آن روزی که عرض حال می دهند تا آن روزیکه شروع محاکمه میشود بواسطه زیادی کارها مدتی طول میکشد و بعد هم خوش بختانه یا بد بختانه وکلای طرفین حاضر میشوند و آن قدر حرارت در بین آنها نیست که بخواهند نوبی سر هم زنند. بنا بر این بنده تصور میکنم خوب است موافقت فرمایند همین ترتیب باشد و اگر ما آزمایش و تجربه کردیم و دیدیم باید يك اصلاحاتی بشود آنوقت ممکن است يك پیشنهاد های دیگری بشود

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی میگیریم بماده سوم آقایانیکه تصویب

میکند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد ماده چهارم

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارم -- ممکن است طرفین بکنفر را به تراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام يك حکم معین کرده و حکم ثالث را به تراضی تعیین نمایند هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه که برای تعیین حکم و تنظیم حکم نامه مقرر داشته با حضور متداعیین از بین عدّه که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آنها را نسبت بسنخ دعوی بصیر و خبیر بداند حکم

ثالث را بقرعه معین خواهد کرد

تبصره - صورت اسامی این اشخاص سه روز قبل از جلسه باید بطرفین داده شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که خود آقای وزیر عدلیه میدانند که اینکه مراحل مختلفه برای قضاوت گذاشته اند ابتدائی و استیناف و نیز برای این است که اگر يك کسی در یکی از این مراحل مظلوم واقع شود در يك جای دیگر اصلاح کند و این برای ارفق بآن کسی است که اتفاقاً مظلوم واقع میشود و بالاخره حکمیت را هم نمیخواستند بر خلاف این مقصود معین کنند منظور از حکمیت هم همین است که همین منظور باشد ولی طرفین به سرعت بمقصود برسند اینجا يك اشکالی بنظر بنده رسیده و بنظر خود من این اشکال وارد است و آن این است که بر فرض اینکه طرفین در حکم مشترك تراضی پیدا نکنند محکمه سه نفر را پیشنهاد میکنند و اگر آنها توافق پیدا نکنند از بین آن سه نفر یکی را محکمه بقرعه انتخاب مینماید اتفاقاً استیناف و نیز هم برای این معین نشده است اگر يك قاضی ارتباط های صوری را که ماده پنج آنها را ضمانت کرده آنها را هم کنار گذاشت و از ارتباط های معنوی فایده برد یعنی یکی از ارباب دعوی حس کرد که این سه نفر حکم با طرف يك ارتباط های معنوی دارند...

مدرس - ماده علیحده دارد.

دادگر - بلی ماده پنج اشخاصی را که دارای روابط هستند و در دعوی ذی نفع هستند بالاخره آنها را از بودن حکم مشترك محروم میکند. اگر ماده پنج منظور آقای مدرس است که آن ماده منظور بنده را نامین نمیکند و مربوط بارتباطات صوری است ولی گاهی میشود روی خبرویت شخصی یا باتیان اشخاص را به متداعیین عرضه بدارند که هیچیک از این شرایط را

نداشته باشند ولی یکی از متداعیین ارتباط قلبی داشته باشند بنا بر این اگر يك کسی در مقابل يك چنین امری واقع شد استیناف که نمیتواند بدهد و خود تقاضای حکمیت هم مطابق ماده که الان گذشت قابل استیناف و نیز نیست بنده میخواستم ببینم برای يك چنین کسی که در مقابل چنین وضعیتی واقع شد چه دور اندیشی شده است و آقای وزیر عدلیه چه فکری کرده اند. باز دو مرتبه عرض خودم را عرض میکنم که بالاخره اگر بین طرفین در حکم مشترك تراضی پیدا نشود سه نفر را که قاضی عرضه میکنند متداعیین که بالاخره یکی از آنها را بقرعه معین کند یکی از متداعیین حس میکند که این سه نفر ارتباط قلبی به آن شخص دارند صورتاً هم هیچ ارتباط ظاهری ندارند چه قیدی هست که از او حمایت کند و بنده این مسئله را خیلی ممکن میدانم و نمیخواهم مبنای فکر ما روی سوءظن باشد و بالاخره باید به حایت و مصالح ارباب دعوی فکری کرد مگر اینکه در وزارت عدلیه يك اشخاص ممتاز شده باشند که بر فرض اگر یکی از قضاة هم بخواهد اعمال نظر کند میتواند یعنی يك اشخاص معددی باشند و الا بنده عرض میکنم بسیار اتفاق میافتد و ما این را تجربه داریم و خیلی از ماها در نظر داریم که يك وقت يك قاضی پیدا شده است که حکم غلط داده است در حالتیکه مسؤل بوده است در اینجا هم ممکن است سه نفر را که ملائم و متناسب با دعوی میدانند معرفی نماید و حکم معهود را هم از بین آنها بگیرد در صورتیکه هیچ مسؤلیت هم ندارد و جز معرفی سه نفر کار دیگری نکرده است. بنده از آقای وزیر عدلیه سؤال میکنم برای چنین فرضی چه مال اندیشی کرده اند؟ و اگر چاره جوئی شده است بفرمایند که ما هم مستحضر شویم؟

وزیر عدلیه - عرض کنم اشکال کار حکمیت تمام در همین قسمت است. اکثر طرفین دعوی تراضی میکنند در يك شخص که دیگر اشکالی باقی نمی ماند ولی همیشه در هر



دعوائی (همیشه که عرض کنم خیالی اغراق است ولی در اغلب موارد) یکی از طرفین دعوی هست که بی ربط حرف میزند بامدعی بامدعی علیه که می خواهند کار را معطل بگذارند و طرف را اذیت کنند البته او نباید موافقت کند با حکمیت یعنی بایک چیزیکه موجب تسریع می شود شما هم که می آئید او را در آن عمل الزام می کنید آن وقت در آن حکم ناک نراضی نمیکنند اگر نراضی را شما شرط قرار بدهید بهمین وسیله یک قانون بایک مواد و تبصره هائی که شما باسلام و صلوات از مجلس گذرانده اید نتیجه اش از بین می رود و هر کس بخواهد دعوی را طول بدهد از این راه استفاده مینماید و بمقصود خودش می رسد. پس از این که گذشتیم اگر طرفین نراضی حاصل نکردند چه باید کرد؟ پس از مذاکرات و مشاورات زیاد در کمیسیون بالاخره راهیکه بنظر رسید همین راه بود البته در عمل قاضی باید سعی کند که بلکه طرفین نراضی کنند و اگر نشد بالاخره معطل که نباید شد آنوقت گفتیم سه نفر را معین کنند و از بین آنها یک نفر را به قرعه انتخاب کنند در اینجا برای جلوگیری از آن تکرانی ها تا حدی یک پیش بینی هائی شده است. اشخاصی که منسوب با یکی از متداعیین باشند یا وارث آنها باشند آنها از حکم شدن ممنوع هستند و بعضی از این قبیل پیش بینی ها شده است بعلاوه یک تجدید نظری هم قرار نگذاشته است آن وقت میفرمائید با این پیش بینی ها ممکن است یک اتفاق سوئی رخ دهد...

مدرس - خدا عالم است  
وزیر عدلیه - بقول آقای مدرس خدا عالم است در هر حال در این قسمت که فرمودید که ممکن است یک قاضی اعمال نظر سوء بکند بنده از آقا میخواهم فقط جنبه اعتراض را نگیرند ولی یک پیشنهادی بفرمایند اگر این تکرانی ها که فرمودند بوسیله آن پیشنهاد مرتفع میشد البته ما هم موافقت میکنیم ولی متاسفم

که زحمت زیادی بخودتان خواهید داد و همچو راهی پیدا نخواهید کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
آقا سید یعقوب - بنده یک اصلاح عبارتی خواستم عرض کنم. اولاً خدمت آقای دادگر خواستم عرض کنم که اینکه فرمودید صحیح است ولی فرد نادر را نمیشود محل ابراد قرار داد. تمام کارها را نمیشود روی فرد نادر قرار داد. اما راجع بعبارت تبصره خوب است آقای مخبر توجه بفرمایند. این عبارت ( صورت اسامی این اشخاص ) بکفدری بعقیده بنده موهون است. این اشخاص اشاره است و مشار الیه معین نیست بابد اینطور باشد ( صورت اسامی اشخاصی که قابل این کار هستند )  
رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم بعقیده بنده اگر این لایحه باید قبول شود علاجی ندارد که این ماده را باید بپذیریم الزام به شیئی همانطوریکه آقای وزیر عدلیه اظهار کردند در مورد تعلل جز اجبار هیچ چاره نیست. اما فرمایش آقای آقا سید یعقوب البته یک اصلاح عبارتی است. یک موصولی لازم دارد که وصل کنند عبارت را بد نیست پیشنهاد کنید

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی  
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای تقی زاده

(شرح ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد میکنم در ماده چهارم بجای عبارت از بین عده که کمتر از سه نفر نباشد نوشته شود از بین عده از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد

رئیس - آقای تقی زاده  
تقی زاده این قانون حکمیت در واقع یک حکمیت اجباری است یعنی اگر بتراضی طرفین حکمیت واقع شد آن مسئله دیگری است ولی ما در اینجا نراضی را

از اصل حکمیت سلب میکنیم و بعد هم مجبور میکنیم که حکم تعیین کنند آنوقت در حکم ناک هم باز حق نراضی را از آنها سلب میکنیم و به محکمه حق میدهیم که خودش حکم ناک معین کند این در واقع در حکم ایجاد یک محکمه قانونی است که حکومت قانونی باو داده میشود که خود دولت باو میدهد. در اینجا هر یک از متداعیین که تبعه خارجه باشد میتواند یک نفر از اتباع خارجه مثلاً قواسم خود را حکم معین کند و اگر طرف دیگر هم یکی از اتباع خارجه را معین کند باز عیبی ندارد اما وقتی که طرفین معین شدند و دولت میخواهد حکم معین کند عقیده بنده این است که این حکم ناک قطعاً باید ایرانی باشد والا ایجاد یک محکمه مختلطه میشود تقریباً مثل محاکم مختلطه مصر

مدرس - صحیح است  
وزیر عدلیه - در حکم ناک بنده این شرط را قبول میکنم که ایرانی باشد  
مخبر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - فقط نوشته شود حکم ناک باید ایرانی باشد؟

تقی زاده - فقط یک کلمه ( از اتباع ایران ) اضافه کند.

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید بنده اساساً موافق اسم ولی در ماده شش بهتر خواهد بود بجهت اینکه در ماده شش میگوید: کسانی بوسیله قرعه میتوانند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمسی شده و مقرر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند

مدرس - خیر اینجا باشد بهتر است  
وزیر - عدلیه - بسیار خوب همینجا بگذارند فرق نکند. عبارت را بخواهند  
(ماده چهارم بشرح سابق خوانده شد)

تقی زاده - بنده پیش از اینهم همانطور فکر کرده بودم که در ماده شش نباشد تقریباً هیچ فرقی ندارد ولی درست دقت کردم دیدم در این ماده بهتر است. وزیر عدلیه - خیلی خوب بگذارید از بین عده از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات (شرح ذیل خوانده شد)  
در ماده چهارم میگویم که بجای سه نفر پنج نفر معین شود

رئیس - آقای بیات  
بیات - بنده از همان نقطه نظری که آقای دادگر اظهار فرمودند این پیشنهاد را کردم چون قرعه که کشیده شد بکنفر معین میشود البته اگر توسعه در این عده داده شود آن نظری را که آقای دادگر اظهار فرمودند شاید محفوظ تر باشد ممکن است سه نفر اشخاصی در یک محل باشند که بایک طرف مربوط باشند ولی البته یک قدری وسعت پیدا کرد این نظر کمتر بخیمال میآید و بعقیده بنده پنج نفر بهتر است

وزیر عدلیه - برای اینکه یک قدری جلو گیری از بعضی تکرانیها بشود ( البته هر چه عده زیاد هم باشد بهتر است ) و پنج نفر هم قابل قبول است قبول می کنم.

رئیس - پیشنهاد آقای کازررنی (شرح آتی قرائت شد)  
ماده چهارم را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم ممکن است طرفین یک نفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام یک حکم معین کرده و حکم ناک را به نراضی تعیین نمایند هرگاه تعیین حکم ناک به نراضی نشود هر یک از متداعیین باید اسامی دو نفر را نوشته تقدیم محکمه نمایند و محکمه با حضور متداعیین یک نفر از آنها را بحکم قرعه معین خواهد کرد



کارروای - چون سه نفر به پنج نفر مبدل شد بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره نوشته شود: صورت اسامی اشخاصی که بقرعه گذارده خواهد شد الی آخر وزیر عدلیه - بنده موافقم توضیح لازم ندارد

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده افزوده شود از با حضور متداعیین سه نفر از بین عده که قبلا از طرف وزارت عدلیه معرفی باین سمت شده اند حکم نالت بحکم قرعه معین خواهد گشت

رئیس - آقای دادگر

دادگر - اینجا از طرف بنده آقای بیات اظهار معتقدی کردند که بنده هم اطمینانا بابشان برای تسهیل کار و ارفاقا به آقای وزیر عدلیه پیشنهاد خودم را پس میگیرم

وزیر عدلیه - خیلی متشکرم

رئیس - رای گرفته میشود بماده چهارم...

رفیع - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - این پیشنهاد آقای بیات را که قبول شد بعضی آقایان مخالفند و ما گمان میکنیم سه نفر باشد بهتر است تا پنج نفر بنابر این بنده استدعا میکنم که بطور تجزیه رای گرفته شود که کمتر از سه نفر نباشد زیرا اصل این قانون برای دهات است و مقصود ما از وضع این قانون برای دهات و قری و قصبات است در شهر هشتاد نفر هم ممکن است پیدا شود ولی در ده خودش را بکشد بیش از سه نفر نمیتواند پیدا کند. حالا چون پنج نفر پیدا نمیشود باید خودش را بکشد؟! اینکه نمیشود. یکی از

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقا سید یعقوب اینجا قانون حکمیت را که ما میخوانیم وزیر عدلیه را مأمور اجرای آن میکنیم کچرا وزیر عدلیه مأمور اجرای آن است که در اداره و حوزه خودش این کار را بکند بنده خواستم راجع باین عبارت که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر بتراضی طرفین و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند این عبارت آخر را که (باید از قبول حکمیت امتناع نمایند) خواستم پیشنهاد حذف بکنم. ما اینجا باید آن چیزی را که تکلیف وزارتخانه است بنویسیم ما این قانون را میخوانیم میباید است وزیر عدلیه که برود محاکم را وادار کند بعمل کردن آن ولی این را باید بیک نوعی معین کنیم که کاملا قابل اجرا باشد و اسباب زحمت نباشد این يك مسئله است عقیده بنده این است که این عبارت زاید است حالا در تبصره هم يك اردانی دارم که پیشنهاد میکنم و در پیشنهاد عرض میکنم. وزیر عدلیه اینجا يك عبارتی دارد اگر توجه فرمایند موافقت میکنند. يك شرایطی را معین کرده است که سلب حکمیت میکند و آن مواردی است که ذکر شده است اگر نسبت داشته باشد اگر در دعوی منافعی داشته باشد الی آخر اشخاصی را که محکمه معین میکند وقتی میخواهد قرعه بکشد ممکن است مطلع نباشد اگر مطلع بشود البته معین نخواهد کرد. یا اگر یکی از طرفین گفت البته معین نخواهد کرد ولی در صورتیکه محکمه اطلاع نداشته باشد و معین کند حالا که میروند پیش حکم که خود او میداند یکی از اقربای نزدیکش دعوائی دارد بایک کسی و برای آن دعوی او را به حکمیت معین کرده اند همانطوریکه در اغلب محاکم عدلیه الان هم معمول است در این موارد خود آنطرف مجبور است امتناع کند چون این يك اطلاعی است برای خود او تنها ولی اگر ما این تکلیف را معین نکنیم شخص حکم میتواند بگوید من چون دیدم مرا معین کردند اینطور خیال کردم که شاید طرفین تراضی

کرده اند یا آن طرف با اینکه میدانست من با اینطرف منسوب راضی بوده و آنوقت اشکال پیدا میشود

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرض بنده هم در همین قسمتی بود که آقای آقا سید یعقوب اشاره کردند و بنظر بنده وافی نبود. اینجا در اول ماده پنجم ذکر شده است که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر به تراضی طرفین و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند. مراد از این عبارت چیست؟ اگر مراد اینست که این اشخاص ذکر شده نمیتوانند حکم نالت بشوند و خود آنها هم از قبول باید امتناع نمایند مگر رضایت طرفین این يك موضوعی است که بنظر بنده آقای وزیر عدلیه استی درست توضیح بدهند. با اینکه خبر اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند و با رضایت طرفین می شود ولی خود آن ها نمی توانند قبول بکنند؟ باز رفع ابهام را نمیکند. اگر چنانچه نظر این بوده است که این اشخاص نمیتوانند حکم نالت بشوند و خودشان هم از قبول حکمیت باید امتناع کنند ولی با رضایت طرفین ممکن است؟ پس بایستی عبارت را اصلاح کرد. اگر عبارت اینطوری که نوشته شده باشد میرساند که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر رضایت طرفین و وقتی هم که رضایت حاصل شد باز خود آنها هم باید از قبول امتناع کنند پس بیشتر باید توضیح بدهند

وزیر عدلیه - عرض کنم این تعبیری است که فرمودید ولی بنده تصور می کنم عبارت را اینطور بشود فهمید.

برای اینکه اینجا نوشته اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر بتراضی ذکر شده است...

ضیاء - بلی

وزیر عدلیه - پس بسیار خوب حالا نمیتواند مگر بتراضی یعنی در غیر تراضی نمیتواند و باید امتناع کنند بنده خیال می کنم این واضح است و با این حال تصور میکنم اگر هم واضح نمیدانستند بعد از این توضیح بنده



قائم شده باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است با سائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

باسائی - عرض میشود در اینجاده نوشته شده است اشخاص ذیل حکم نالت نمیتوانند بشوند باید از قبول حکم امتناع نمایند در ذیل میگوید کسی که در دعوی مطروحه ذی نفع باشد آن وقت مفهوم مخالفش این است که حکم فردی میتواند بشود یعنی قاضی مدعی میشود این چیز غریبی است بنده خواهش میکنم این را توجه بفرمائید و درش صحبت بشود که قاضی و مدعی یکی نشود چون معنی این ماده این است کسی که ذی نفع است در دعوی میتواند حکم منفرد باشد این چیز غریبی است خودش شریک یا صاحب دعوی است شما صرفاً نوشته اید کسی که در دعوی مطروحه ذی نفع باشد نمیتواند حکم نالت بشود و در اینصورت شما شریک یکطرف را حکم قرار داده اید بر علیه کسی دیگر بنده عقیده ام اینست که هر سه نفر حکم در موقعیکه ذی نفع باشند باید محروم باشند از حکم شدن و نتوانند حکم بشوند

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - اشکالی را که نماینده محترم فرمودند بنده تصور میکنم در مورد قضاوت داراست که مدعی نمی تواند قاضی شود ولی مسئله حکمیت با قضاوت خیلی تفاوت دارد زیرا حکمیت با یک وضع خاصی تشکیل می شود و هر یک از طرف ها حق دارند هر کس را بخواهند حکم کنند و البته یک اشخاصی را که یک شرایطی را واجد نباشند نمیتواند حکم قرار بدهند ولی اینکه کسی را که شرکت دارد در دعوی نمیتواند حکم بشود بنده خیال میکنم مورد داشته باشد به علاوه مسئله این است که بنده کسی را در دعوی من ذی نفع است حکم می

احتشامزاده میفرماید قاضی با حکم فرق دارد بنده هم تصدیق میکنم که قضاوت با حکمیت یک تفاوتی دارد ولی از نظر بیطرفی نباید اینطور باشد ما میخواهیم قضا با حکمیت خانم پیدا کند و زودتر قطع و فصل بشود اینقانون باعث میشود که تمام مردم قوم و خویشهای خودشان را حکم قرار بدهند و این خارج از انصاف است و بنده تصور میکنم حکمها باید یک اشخاصی باشند که بیطرفی شان محرز باشد

مخبر - بنظر بنده گاهی اوقات بعضی آقایان رفقاً بطرف افراط و تفریط میروند در اینجا مطابق قانونی که نوشته است طرفین حق دارند هر کس را بخواهند انتخاب کنند ولی اگر موجبات ردی پیدا شد آن طرف میتواند رد کند بنده نمی فهمم چه ضرورتی دارد که ما بکطوری قانون را بنویسیم که اختیار را از اشخاص سلب کنیم؟ و در صورتیکه آنها به تکالیف خودشان بیشتر آشنا هستند و حق خودشان را بهتر میتوانند تأمین کنند

باسائی - حالا که قبول نکردند استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(باین مضمون خوانده شد)

اصلاح قسمت اول ماده پنج را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم

اشخاص ذیل نمی توانند حکم نالت بشوند و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر بتراضی طرفین الی آخر

وزیر عدلیه - بنده موافقم

مخبر - بنده هم قبول میکنم این پیشنهاد را

رئیس - پیشنهاد آقای استرآبادی هم در همین زمینه است

استرآبادی - بلی

رئیس - قبول شد رای میگیریم به ماده پنج یا

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - تنفس

دستی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دستی - بنده خیلی تعجب میکنم که آقایان میفرمایند تنفس ساعت نه جلسه تشکیل شده الان ساعت یازده است دو ساعت است آقایان هم متصل می روند بیرون حالا اگر خود آقای رئیس تنفس بخواهند بدهند آن یک چیزی است ولی ماهمه متصل میرویم بیرون و بر میگردیم تنفس میکنیم و باز می آئیم در مجلس؟ بنده با وجود اینکه می دانم آقایان مایل نگذشتن این لایحه هستند استدعا می کنم که اجازه بدهند این لایحه بگذرد

جمعی از نمایندگان - تنفس

(در این موقع عده از نمایندگان حرکت نموده جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده شش

(بشرح آنی قرائت شد)

ماده ۶ - کسانی بوسیله قرعه می توانند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمسی شده - در مقرر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آن ها متفق نباشند

قضاة و اعضاء پارک نمی توانند در حوزه مأوریت خود قبول حکمیت نمایند مگر بتراضی طرفین

محکومین به جنحه و جنایات و اشخاصی که بعنوان جنحه و جنایت در نحت اعیان هستند نمیتوانند مطلقاً بحکمیت معین شوند

رئیس - آقای فیروزآبادی



فیروز آبادی - بنده مخالفم در این ماده نسبت بسن است که سی سال شمسی معین کرده است چون بنسای این لایحه روی آسایش کار مردم است. اینجا آمده سی سال معین کرده چه بسبار اوقات میشود اشخاصی که کمتر از سی سال هم باشند لایق هستند برای اینکار باین ملاحظه سی سال زیاد است بیست و پنجسال و اینقدرها معین کنند بهتر است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا باز توجه بفرمائید. افراد نادر را هیچوقت مناط قرار ندهید. باید اصولاً اینطور باشد. بچه پانزده ساله و بیست ساله و بیست و پنجساله این مقام را ندارد. زیرا این حکمیت را ما میخواهیم خیلی با وقار باشد و افکار عمومی را متوجه کنیم باین موضوع که این مقام يك مقام خیلی بزرگی است. حقیقة مسئله حکمیت چیز خیلی خوبی است و این يك درس اخلاق است که تمام متوجه حکمیت بشوند و از سی سال کمتر آن اهمیت را ندارد. حالا نگوئید نسبت به ملت توهین کردی؛ خیر. ولی این مقامی که قاضی باید چه ترتیب باشد که موقعیت داشته باشد اینجا هم هست این بود که پیشنهاد کردیم سی سال باشد که موقعیت و مقام آن محفوظ باشد

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم.

رئیس - آقای روحی -

روحی - عرض کنم که متأسفانه به بنده اجازه اول نرسید بنده هم نظر آقای فیروز آبادی را ناپید میکنم که بیست و پنج ساله يك سن گاهلی است که میتواند بکنفر در امور اجتماعی دخالت کند حتی بنده قائل هستم که سن وکیل هم بیست و پنجسال بشود نه سی سال

بنده تصور میکنم در مملکت بکفدري تبعیض نباشد زیرا جوانهای تحصیل کرده از بیست سال به حد بلوغ سیاسی میرسند و پنجسال هم برای تجربه آنها کافی است. بیست و پنج ساله را محروم کردن بعقیده بنده ظلم است

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که خوبست آقایان بکفدري دقت بفرمایند باینکه کار حکمیت يك کار سهل و ساده نیست. بعلاوه شرط سی سال برای حکم مشترك است. آن جوان بیست و پنجساله لایق و آن نابغه را که جنابعالی می فرمائید ممکن است طرفین برای حکم شخصی خودشان قرار دهند و برای حکم مشترك سی سال خیلی خوب است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم به ماده شش آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده هفت

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ پس از تعیین حکم محکمه قرار نامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً بامضای طرفین دعوی و منتهای در ظرف سه روز بامضای حکمها میرساند هرگاه يك یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده ۴ تعیین حکم خواهد شد پس از قبول حکمیت حکمها يك نفر از بین خود آنها معین خواهد کرد که محکمه سواد اوراق و اسناد طرفین را پیش او بفرستد.

در صورتیکه حکم بکنفر باشد سواد اوراق و اسناد پیش او فرستاده میشود در قرار نامه حکمیت نکات ذیل قید میشود

(ا) اسم و اسم خانواده و شغل متداعیین و حکم

(ب) میزان مدعی به به ترتیبی که در مواد راجع

بعرضحال مقرر است

(ج) مدت حکمیت

مدت حکمیت را که کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین مینماید و ابتدای آن از روزی است که تمام حکمها کتباً حکمیت را قبول نموده محکمه میتواند مدت حکمیت را به تقاضای اکثریت حکمها يك مرتبه به تراضی طرفین دعوی هر چند بار که تقاضا نمایند تجدید کند کسیکه قبول حکمیت کردو قبل از انجام عمل و دادن رأی بدون عذر موجه استعفاء نموده تا ده سال در هیچ قضیه نمیتواند حکم شود مگر بتراضی طرفین

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر و آقای مخبر توجیه داشته باشند ماده هفت نوشته است پس از تعیین حکم محکمه قرار نامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً بامضای طرفین دعوی و منتهای در ظرف سه روز بامضای حکمها میرساند هرگاه يك یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد. در اینجا می خواهد بگوید اگر حکم مختص هم استنکاف کرد این عبارت این طور میرساند که این حق از کسی که حکم او حاضر نشده سلب میشود و بمحکمه این حق داده میشود. او میگوید من که حکم معین کردم حالا او استنکاف کرده چرا حق من از بین رفته باشد؟ اینجا مینویسد که مطابق ماده چهار این حق بمحکمه می رسد و محکمه تعیین حکم میکند بنده عرض میکنم اینجا که آن حکم استنکاف کرده حق من که باید اطمینان داشته باشم بيك کسی باید بمن حق بدهند که بکنفر دیگر را معین کنم نه این که این حق از من گرفته شود. این عبارت « در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد » یعنی چه؟ یعنی دیگر حکمی که بنده معین کردم و استنکاف کرد و نیامد آنوقت باید این حق از بنده گرفته شود و بمحکمه حق داده شود که تعیین حکم کند مطابق ماده چهار؟ ماده چهار میگوید

حکم را محکمه تعیین میکند مگر اینکه اینجا توضیح بدهید که از استنکاف حکم حق من که باید تعیین حکم بکنم ساقط نشده باشد.

وزیر عدلیه - متأسفانه بنده بواسطه اینکه جواب کاغذ آقایان را نباید بنویسم و گاهی هم صحبت میکنم متوجه بفرمایش آقا نشدم ولی حالا میبینم این ماده هشت است که صحبت میشود؟

آقا سید یعقوب ماده هفت است

وزیر عدلیه - اگر ماده هفت است بخواهید عبارتی را که اعتراض دارید.

آقا سید یعقوب - آخر آقای رئیس باید اجازه بدهند. هرگاه يك یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد

مدرس - مطابق ماده چهار را باید زد. مطابق مواد سابق.

وزیر عدلیه (خطاب به آقا سید یعقوب) پیشنهاد بدهند بعد توضیحاتتان را بفرمائید جواب عرض کنم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - موافقم

رئیس - آقای کازرون

کازرون - اگر چه آقای آقا سید یعقوب شرحی اظهار داشتند و بنده تا اندازه با نظر ایشان موافقت دارم لیکن بيك توضیح گمان نکنیم درست میشد و این ابهام هم رفع میشد اصلاً عبارت مستلزم ابهامی در طرز آن هست ماده چهار میگوید: ممکن است طرفین بکنفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام يك حکم معین کرده و حکم ثالث را بتراضی تعیین نمایند الی آخر اینکه نمیگوید بر طبق يك قسمت از ماده چهار میگوید بر طبق ماده چهار. لیکن عبارت طوری تنظیم شده که مستلزم این ابهام هست که آقای آقا سید یعقوب



این اظهارات را فرمودند از این جهت عرض کردم که با اظهارات ایشان موافق هستم و عرض کردم ممکن است توضیح بدهند که بر طبق ماده چهارم یعنی حکم نالت را تجدید بکنند؟

مخبر - بنظر بنده اگر آقایان در ماده چهارم قدری دقت بفرمایند این اشکال رفع میشود برای اینکه در ماده چهارم معین میشود که چه جور حکم را معین میکنند و حکم نالت را کی معین میکنند وقتی که اینجا اشاره میشود بان ماده معنایش این است که اگر حکم شخصی قبل از قبول استنکاف از قبول کرد مطابق ماده چهارم معین میشود یعنی چه؟ یعنی آن کسیکه او را معین کرده يك نفر دیگر را معین میکنند این است که بنظر بنده ابهامی ندارد و خیلی صریح است.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(به این مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم کلمه ماده چهارم حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند در ماده چهارم در واقع سیاق عبارت این است که محکمه حکم نالت را بقرعه معین میکند حقیقه روح ماده متوجه بان قید است؛ آنوقت در اینجا که آمدید نوشتید مطابق ماده چهارم معین خواهد شد این عبارت در واقع بر میگردد و متوجه روح آن ماده میشود یعنی چه؟ یعنی این طور معلوم میشود که مطابق ماده چهارم حق تعیین حکم مشترك با محکمه است یعنی آن شخصی که میخواهد حکم معین کند حق ندارد و این حق از آن شخص بر میگردد به محکمه در صورتیکه بنده عقیده ام این بود که بنده مدعی هستم اگر حکم

خوب است نوشته شود مطابق مفاد ماده ۸ تعیین حکم خواهد شد

آقا سید یعقوب - این حرف آقای وزیر نظر بنده را تأمین کرد و پیشنهاد خودم را مسترد میکنم وزیر عدلیه - چون ماده هشت اشاره بماده چهارم میکند بنویسند مطابق ماده ۸ تعیین حکم خواهد شد

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که نوشته شود منتهی در ظرف ده روز بامضای حکمها برسانند

فیروز آبادی - اینجا نوشته شده است در ظرف ۳ روز بامضای حکمها برسانند آیا تصور می فرمایید که چطور میشود در این شهر نوشته را در ظرف ۳ روز بتوسط فراش و اینها بامضا رساند و بر گرداند؟ بنده گمان میکنم برای آسایش عامه که اولین مقصود این قانون است مدت را ده روز قرار بدهند البته در مقام نوشتن ممکن است سه روز قرار داد ولی برای عمل لا اقل ده روز باید باشد و کمتر از آن کافی نیست حکم اسف نا برود فکر کنند به بیند که صلاح است امضا کند یا نه لا اقل مدتی وقت لازم دارد و سه روز خیلی کم است

وزیر عدلیه - عرض کنم که عادت همیشه بر این جاری بوده است که آقای فیروز آبادی در موقع مذاکره در خرج بیشتر دقت بفرمایند و کمترش کنند ولی در وقت هیچ اهمیتی نمیدهند و زیاد تر میکنند ما می خواهیم تسریع بشود و زودتر کار بگذرد حالا شما سه روز را می فرمایید ده روز کنیم؟

رئیس - رای میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رای میگیریم بماده ۷ نالتبدیل

اجرائیه صادر خواهد کرد

ماده ۴ ماده ۸ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم

(اینقسم قرائت شد)

ماده ۸ - در صورتیکه یکی از حکمها ناسه جلسه ماطله و مسامحه از حضور نماید با اصلاح جلسه حاضر نشود بترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

۱ - هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در ظرف ۵ روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین می نماید

ب - در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعین حکم مشترك فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا خواهد کرد

چنانچه از تاریخ ۵ روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترك و حکم مختص دیگر رسیدگی نموده رای خواهند داد و در صورت عدم توافق محکمه بر طبق ماده ۴ حکم مختص را بقرعه معین خواهد کرد

حکمها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند

متداعین اسناد و مدارك و لوایح خود را بحکمها داده و حکمها میتوانند از آنها توضیحات شفاهی بخواهند در رای حکم باید اسم و شهرت متداعین و حکم و موضوع منازعه و اسباب مدارك و دلایل برای تصریح شود هر گاه بعضی از حکمها از امضای رأی امتناع نمایند سایرین امضاء نموده و این امتناع را در حکم قیدی نمایند حکمی که بامضای اکثریت حکمها رسیده است آن اعتبار را دارد که بامضای تمام حکمها رسیده باشد

محکمه که قرار حکمیت داده مطابق رأی حکم و رفته



رئیس -- آقای آقا سید یعقوب  
 آقای آقا سید یعقوب -- در اینجا يك شبهه دارم بنده و مقام ریاست توجه میفرمایند و رفع آن شبهه بنده را می کنند. اینجا در ماده ۷ رای دادیم مطابق ماده ۸ که هنوز نیامده بود حالا آن قضا شده بود و باید ادا کنیم نمیدانم. اینجا در ماده ۸ می نویسند اگر یکی از حکم ها سه جلسه مطالعه و ساعه از حضور نماید یا سه جلسه اصلاح حاضر نشود. بنده نمیدانم که این دو تا چگونه میشود هر دو یکی است خوب چه فرق دارد. حاضر نشود با مطالعه و مساعه کنند این دو تا معنایش يك چیز است باز اگر می نوشته سه جلسه متوالی با متناوب لا اقل بین این دو جمله يك فرق میشود ولی حالا که بنده نفهمیدم مگر توضیح بدهند که بفهمم. این يك عرض بود. عرض دوم این است که اینجا بنویسند؛ هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعیین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین مینماید. این یعنی چه؟ در اینجا و الا محکمه به تقاضای یکی از متداعیین حکم دیگر معین مینماید این الاستثناء از چه چیز است. یعنی اگر رای ندادند؟  
 وزیر عدلیه -- بله بله  
 آقا سید یعقوب -- ما قانون میگذرانیم که در این مدت باید بکنند و حالا اگر نکرد و رای نداد دیگر ما اینجا بنویسیم اگر نکردند محکمه بتقاضای یکی از متداعیین فلان این یعنی چه؟ یعنی در اینجا حقوق حکمیت ساقط میشود؟ و دیگر حکمیت ندارد و آن مقامی را که بهش داده اند برای حکمیت از بین میبرد و محکمه باید این کار را بکند؟ در واقع اینطور میخواهد بگوید که حکم انفصالش از محکمه صادر میشود خوب این عبارت را صریح تر بنویسند خجالت که ندارید. بنویسند در ظرف پنج روز اگر نکردند منفصل میشوند. این يك ایراد است که باید اصلاح شود چون مقصود صریح در مدعا نیست که حق

حکم ساقط میشود و محکمه حکم دیگری معین می کند. یکی دیگر در این مسئله است که نوشته است حکم ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند خویش آقای وزیر توجه فرمایند -- آقای مخبر حفظه الله تعالی هم که هیچ توجه نمی فرمایند بعد يك چیزی می فرمایند آنوقت می فرمایند که من اصولی صحبت میکنم ولی در صورت فرمایشاتشان اصولی چیزی نبود نوشته است که حکم ها در رسیدگی که حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند. در این جا باید معلوم شود که حکم ها در رسیدگی و حکم تابع قوانین اصول محاکمات حقوقی نیستند یعنی چه چور این کلام را بر سبیل اطلاق بنده مخالف هستم که نوشته شود البته آن نیز محاکمه گذاشته شود و چیز سبزی رویش بکشند و دونا صندلی بگذارند و اینها محاکمه شوند ولی در این قسمت هایش تابع نباشد مطلبی نیست ولی در اصول محاکمات حقوقی بنده معتقدم که باید تابع باشند قوانین و اصول باید محفوظ باشد و باید حکم ها کاملا مطیع و تابع آن قانون باشند بنده نظرم این است که در ترتیبات محاکمه تابع آنها نباشند ولی نه اینکه بتوانند بر خلاف قوانین موضوعه حکم بدهند آنوقت بعد می نویسند که ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند یعنی هم موافق قانون باشد هم نباشد؟ این آخر از دو صورت بیرون نیست یا موافق است یا مخالف بین نفی و اثبات که واسطه نیست چه میکنند این حکم ها موافق که نیستند مخالف هم که نیستند پس چه کاره اند؟ این است که ماده مجمل است و بنده معتقدم که باید معین شود که حکم ها تابع قانون اصول محاکمات حقوقی هستند در رسیدگی و حکم ولی تابع تشریفات آن نیستند یعنی در اصول محاکمات حقوقی که مطالعه کردیم دیدیم که موافق است با عبادات و اصول

مملکتی و دینی مان و اخلاق ملی مان آنوقت چطور می توانیم بگوئیم که حکمها تابع آن نیستند و میتوانند خود بخود کار کنند؟ اینها باید اصلاح شود و باید آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند

وزیر عدلیه -- خلاصه مسلم فرمایشات آقای آقا سید یعقوب عبارت از سه مسئله بود: یکی راجع بود به سه جلسه مساعه و مطالعه و حاضر نشدن آنچه که ما فکر کردیم این بود که مطالعه و حاضر نشدن با هم فرق دارد یعنی يك وقت حاضر نمیشود ولی مطالعه این است که آقای حکم يك ربع با آخر وقت مانده حاضر می شود این حاضر شده ولی خوب کاری نکرده این البته مساعه است و کار را عقب می اندازد و بنده تصور میکنم بین مطالعه و مساعه و حاضر نشدن را خوب می شود تفکیک کرد.

اما در قسمت دوم مقصود این نیست که حکم ها در ظرف پنج روز از حکمیت می افتند. مقصود این است که در ظرف پنج روز با این دو نفر توافق نظر پیدا می کنند یعنی حکم مختص بنده و شما توافق پیدا میکند که در این صورت لازم نیست حکم مشترك باشد. یا اینکه توافق پیدا نمی کنند حکم ها در این صورت یعنی در صورت عدم توافق حکم مشترك می آید آن جا و بالاخره اکثریت حاصل میشود مقصود از این ماده این است و حالا هم یکی از آقایان اینجا پیشنهاد کرده اند که بجای والا نوشته شود و در صورت عدم توافق و این البته مطلب را روشن میکند در قسمت سوم که راجع است مسئله تشریفات محاکمه: قوانین حکمیت یکی از محسنات یا یکی از معایبش این است (بنظر آقایان) که قانون را تا هر چه که بتوانند سعی کنند سهل و ساده باشد آن حکم ها تمام اطراف قضیه و جهات کار را در نظر میگیرند همان طوریکه در قانون ملاحظه میفرمائید البته با مراعات نصاب و سعی میکنند که اولاً شاید صلح بدهند طرفین را و حکم ندهند و الا رای خود را میدهند ولی اگر حالا نخواهید بیابید اینجا و تمام قواعد و قوانین و

مواد را بهمان ترتیبی که در محاکم هست این جا اجرا و اعمال کنید دیگر خوب حکمیتی نمیشود آنوقت محکمه استیضاف هم باید دخالت کند دیوان عالی نیز هم باید مداخله کند که تمام مواد در نظر گرفته شده و مطابق قانون بوده است یا خیر؟ و این ترتیب البته با مقصودی که آقایان راجع بحکمیت دارند خیلی فرق دارد حکمیت برای این است است که اینها دیگر نباشد

رئیس -- آقای نامداد

نامداد -- قانون حکمیت بزرگترین نقطه نظرش این است که تسهیل میکند دعوی را و خیلی زود کار را فیصله میدهد و دیگر نه استیضاف دارد و نه تمیز و چون این طور است و چون وقتی حکم حکم ها در آمد دیگر هیچکارش نمی شود کرد و این است که باید خیلی در این قانون دقت کرد. یعنی ممکن است که دونا سه حکم جمع شوند با اشتباه یا با غیر اشتباه یا بنا به تقریری که آقای داد گرفتار بودند يك تبالی هائی بکنند و يك رائی بدهند این دیگر حکمش هم قطعی است و صد هزار تومان يك کرور دارائی یا با صرف يك اشتباه کاری ممکن است از بین برود پس باید يك قدری دقت کامل در این قانون بشود اینجا يك قسمت نوشته شده است که اگر حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در ظرف پنج روز خواهند داد یعنی دو حکم اختصاصی آنها باید به نشینند و این دو حکم در واقع حکم دو طرف دعوی را دارند یعنی یکی مدعی است یکی مدعی علیه است. هیچ فرق نمی کنند خوب اگر اینها اینقدر اهل تراضی بودند و راضی بودند و حاضر بودند کارشان را مابین خودشان ختم کنند دیگر این قانون حکمیت اجباری پیدا نمیشد و مطابق ماده چهارم دیگر معنی نداشت که اگر نیابند و حاضر نشوند چطور باید بشود مدعی! و مدعی علیه لابد يك نقطه فاصلی داشته اند که کارشان بدعوی رسیده است در حکمیت یکی شان بتراضی و یکی شان با اجبار موافقت کرده آنوقت باید این حکم ها به نشینند و اگر



هم حکم مشترك (که تقریباً بی طرف راست) حاضر نشد بیابند و حتماً کار را تمام کنند خیر نمی نشینند خوب مدعی و مدعی علیه هستند دیگر نمی نشینند خانم بدهند (باید) این معنی را دارد دیگر این مخالف با روح دعوی است و چیز عجیبی است هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده و در ظرف پنج روز رای خود را خواهند داد خوب نمی آیند. این حکم است بطور اطلاق. نمی آیند. و الا اگر رای ندادند محکمه بر طبق ماده ۴ عمل خواهد کرد. این یعنی چه؟ اینقسمت یکی از ایرادات بنده است و این عبارت خیلی مندهج است و ممکن است اسباب زحمت شود. دیگر اینکه در لایحه نوشته است که حکم ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند. اینکه تابع مقررات محاکم و اصول محاکمات نیستند این البته صحیح است چون حکمیت معنایش این است در يك دهی است سر يك جریب زمین. يك خرمن. پنج خروار گندم. جو دعوی ایجاد میشود خوب دو حکم با کدخدای می نشینند و آن را خانم میدهند این قضیه قضیه دماغی است و شخص باید خبرویت خودش را بروز دهد آنوقت این قسمت از عبارت تناقض دارد با قسمت بعدش که مینویسد ولی مخالفت قوانین و شرایط حکمیت را نمایند. خوب مخالفت قوانین را نکنند یعنی چه؟ یعنی قوانین مقرر در عدلیه و اصول محاکمات حقوقی یا قوانین شرع را؟ اگر قوانین شرع مقصود مان است خوب البته هیچکس نمیتواند این حرف را زند و نمی تواند بگوید موروث از ارث خود محروم باشد البته احدی این حرف را نمی تواند زند و اگر مطابق قوانین اصول محاکمات و عدلیه و اینها است که این جمله تناقض دارد با جمله بعدش. این جا باید این قانون (هر قانون کلیه) بطور خیلی سهل و ساده نوشته شود که همه بفهمند. ولی در این ماده این دو عبارت با هم تناقض دارد ولی شرایط حکمیت البته اگر

حکم محدود بود و باید شرایطی حکمیت را بهش دادند صحیح است یعنی با همان شرایط آمده است و حکمیت کرده است ولی اگر مخالفت کرد با قوانین یعنی چه؟ کدام قوانین این خیلی عبارت مجملی است که اسباب زحمت است و دیگر این نیست که میدوید هرگاه بعضی از حکمها از امضاء رای امتناع نمایند سایرین امضاء کرده ولی این امتناع را در حکم قید می نمایند حکمی که با امضاء اکثریت حکم ها رسیده است آن اعتبار را دارد که با امضای تمام حکم ها رسیده باشد. قبل و بعد این قسمت هم هیچ تصریح نکرده است که بعد از رسیدگی بعد آنکه اینها دوسه رسیدگی شان را ترتیب دادند بعد از تبادل یکی حکم ها و قانع شدن باینکه حق با طرف است؟ فقط بطور مطلق نوشته شده است که اگر یکی از آنها استنکاف کرد از امضا دیگران امضاء می کنند و این در حکم امضائی میشود که دیگری کرده است و رایش قاطع است اکثریت حاکم است و محکمه هم مطابق قرار حکمیت رای صادر میکند این خیلی مجمل است خوب بلکه خبر نداده باشد بآن حکم و روز جلسه است آنوقت آن دو نفر می آیند می نشینند و رای خودشان را میدهند دو نفر آمده اند يك نفر نیامده است. خبر نداده اند و میگویند خوب آن که نیامد رای ندارد و دعوائش هم ساقط است. ماده ۸ خیلی در این قسمت ساکت است و تصریح ندارد و در عمل اسباب زحمت میشود این است نظریات بنده تا به بینم چه نوصیحاتی میدهند.

مخبر - بنظر بنده مطالبی که نماینده محترم فرمودند متضمن اعتراض واردی باین ماده نبوده است زیرا فرمودند در حکمیت باید دقت کرد. این مطلب با راجع است بلزوم تدقیق مجلس در قانون یا دقت حکم ها؟

بامداد - خیر مجلس

مخبر - بمقیده بنده مجلس بیش از حد معمول تدقیق کرده است در این قانون برای اینکه در کمیسیون چندین دفعه این مطلب تدقیق شده است و اگر ملاحظه فرمائید

برای وضع يك ماده که تکالیف حکم ها را معین میکنند صریح تر و مناسب تر از این ماده از هر جهتی بنظر نمی آمد حالا به بینیم اصلاً دقت شده یا نشده و اشکال حضرتعالی چه چیز است. می فرمائید که اگر حکم مشترك حاضر نشد چرا دو نفر دیگر رای بدهند و چرا اجباری باشد؟ اولاً در این ماده نوشته شده است که اجباراً باید رای بدهند این ماده مفهومش اینست که اگر در ماده رسیدگی موافقت کردند میروند پی کارشان و مطابق آنچه که موافقت کردند رای شان را می نویسند و میدهند و این هیچ اشکالی ندارد صحبت اجباری کردن هم بنظر بنده صحیح نیست در این جا قسمتی که فرمودند این است که مشکل است آنها موافقت کنند چون آنها بمنزله متداعیین هستند البته از این حیث که از طرف متداعیین اختیار دارند بمنزله آنها هستند ولی از نظر علاقه و احساسات و خصوصیات تماماً مثل آنها نیستند آنها يك اشخاصی هستند که مطابق این قانون از طرف آنها معین میشوند که مطابق قانون حکم بدهند و مطابق عدالت و انصاف حکومت کنند. خوب اگر مطابق قانون حاضر شدند که بر طبق عدل و انصاف حکومت کنند باید آنها اعتراض کرد خیر این عمل صحیحی است و لازم لاجرا است بملاوه بر فرض اینکه حکم مشترك هم بآنها ضمیمه شود اگر آن دو نفر موافقت کردند رای شان قطعی میشود بنا بر این اشکال وارد نیست فرمودند در اینجا نوشته شده است حکم ها تابع اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی در قوانین نباید مخالفت کنند تصور کردد که بین این دو جمله تناقض است در صورتی که اینطور نیست مقصود از قانون یعنی قوانین مدنی که اصول و مناسبات حقوق اشخاص و تکالیف آنها را نسبت بهم در معاملات و غیره معین میکند و مقصود از قانون اصول محاکمات آن تشریفات و مراسمی است که محاکم باید در مورد تطبیق قانون امور را قضاوت و قانون را اجرا کنند. البته حکم نباید آن

تشریفات را رعایت کند و اصلاً وضع قانون حکمیت برای این است که طرفین دعوی از نتایج بدان تشریفات که باعث تضییع وقت است و خستگی آور است آسوده بشوند باین جهت هیچ اشکالی ندارد و اینکه مخالفت از قوانین نکنند البته نباید حکم مخالفت با قوانین مملکتی بکنند. فرمودید نوشته است که اگر یکی از حکمها استنکاف کند از امضاء دیگران امضا کرده و رای می دهند و امتناع او را مینویسد و رای شان هم قطعی است البته این يك مسئله قطعی است وقتی که چند نفر وظیفه دار باشد يك کاری را انجام دهند بعد از اتمام کار یکی از آنها که در نتیجه از کار استنکاف کند آن را باید بنویسند و قید کنند اینکه اشکالی ندارد. در هر صورت این اشکالاتی که حضرت عالی فرمودید وارد است نیست.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است

جمعی از نمایندگان صحیح است

رئیس - جلسه اینه فردا شب

دادگر - بنده در باب جلسه عرض دارم

جمعی از نمایندگان - پس فردا شب باشد

رئیس - شب قبل این طوز رای دادید

آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عقیده ام این است که این ماده

را تمام کنیم بعد جلسه را ختم کنیم يك ربع نامل کنیم

تا این ماده تمام شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که بنده گمان میکنم ماده ۸

رای بدهیم بعد جلسه ختم شود اقلایك کاری کرده

باشیم و بملاوه می خواستیم دو سه تا عرض کنم اولاً

تقاضا کنم که يك رای آخری هم بدهیم راجع بمعدی

مستخدمین جزء برای اینکه پیشنهاد آقای فرزند هم عملی



را ممکن بود ماها قبول کنیم در صورتیکه فردا شب و پس فردا شب را جلسه نداشته باشیم ولی وقتی که بنا شد جلسه باشد اهمیت ندارد که همین حالا و امشب همه کارها را بکنیم خوب است ایشان هم موافقت فرمایند جلسه ختم شود وقت سحر است آقایان باید بروند راحت کنند فردا شب و پس فردا شب بقیه کارها را می‌کنیم. اشکالی ندارد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه ختم میشود.

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

شده باشد کاری هم ندارد

یکی از نمایندگان - فردا شب

دادگر - با فردا شب باشد فرقی ندارد و بالاخره اگر هم جلسه بنا باشد باشد خوب است همان فردا شب باشد و فاصله بین آن نباشد چون بعضی از رفقا میفرمایند پس فردا شب باشد همان فردا شب باشد بهتر است که اگر کارهای مان ناتمام است تمام کنیم بعد اگر کسی هم خواست برود کمی جائی زمان داشته باشد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - عرض کنم که فرمایش آقای دادگر